

## Original Article

### Ethical Basics of Preventive Criminal Policy in the Face of Violence against Children

Seyed Hussien Waghary<sup>1</sup>, Gholamhossein Masoud<sup>2\*</sup>, Mohsen Shekarchizadeh<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Corresponding Author) Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 16 Oct 2021 Accepted: 21 Feb 2022

#### Abstract

**Background and Aim:** As one of the criminal policy's dimensions, preventive criminal policy underlines the penal and non-penal aspects as a way of preventing the criminal and unlawful actions. This policy can take an ethical color when it is deployed before the violence against children. The present study tries investigating the ethical basics of the preventive criminal policy in the face of the violence against children.

**Materials and Methods:** In the present study, a descriptive-analytical method has been applied. The materials have also been gathered by taking notes and referring to the legal texts and other related documents and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** Preventive criminal policy focusing on moral principles, including the inherent dignity of human beings in general and children in particular, helping children because of their age and biological conditions to prevent them from entering delinquent environments and being victimized, preventing children from being harmed when committing delinquent acts and after that, and so paying attention to children's imitability and role modeling of delinquent and criminal behaviors, it considers preventive criminal measures.

**Conclusion:** Ethical solutions in the field of preventive criminal policy are responding to violence against children in the non-criminal field, including eliminating delinquent and violent acts in the family environment, modifying the behavior of family members specially parents, modifying the environment and educational places such as schools and educational institutions that affect children, producing media and cultural content to help children to report cases of victimization and delinquency, creating a friendly environment for children to depend on family members. In the criminal field, applying differential criminal policy, separating children and adults from criminals in environments such as courts and prosecutor's offices, strengthening socialistic approaches and tolerance towards children's criminal acts with the aim of correcting their behavior are among the approaches that can prevent violence against children.

**Keywords:** Criminal Policy; Prevention; Violence; Children; Ethics

**Please cite this article as:** Waghary SH, Masoud GH-H, Shekarchizadeh M. Ethical Basics of Preventive Criminal Policy in the Face of Violence against Children. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 273-282.

## مبانی اخلاقی سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان

سیدحسین وقاری<sup>۱</sup>، غلامحسین مسعود<sup>۲\*</sup>، محسن شکرچی‌زاده<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲

### چکیده

**زمینه و هدف:** سیاست جنایی پیشگیرانه به عنوان یکی از ابعاد سیاست جنایی بر جنبه‌های کیفری و غیر کیفری در خصوص پیشگیری از اعمال بزه‌کارانه و مجرمانه تأکید می‌کند. این سیاست هنگامی که در قبال خشونت علیه کودکان به کار گرفته می‌شود، می‌تواند صبغه اخلاقی نیز داشته باشد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی مبانی اخلاقی سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان است.

**مواد و روش‌ها:** در پژوهش حاضر، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. گردآوری مطالب نیز از طریق فیش‌برداری ضمن مراجعه به متون حقوقی و سایر اسناد و مقالات مرتبط انجام شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** سیاست جنایی پیشگیرانه با تمرکز بر اصول اخلاقی از جمله کرامت ذاتی انسان به طور عام و کودکان به طور خاص، کمک به آنان در شرایط خاص سنی و بیولوژیکی برای جلوگیری از ورود به محیط‌های بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، جلوگیری از آسیب کودکان در زمان ارتکاب اعمال بزه‌کارانه و مجرمانه و پس از آن و توجه به تقلدبودن و الگوبرداری کودکان از رفتارهای بزه‌کارانه و مجرمانه، اقدامات جنایی پیشگیرانه را مد نظر قرار می‌دهد.

**نتیجه‌گیری:** راهکارهای اخلاقی برای کاربست سیاست جنایی پیشگیرانه جهت مقابله با خشونت علیه کودکان در حیطه غیر کیفری، شامل نفی اعمال بزه‌کارانه و خشونت‌آمیز در محیط خانواده، اصلاح رفتارهای اعضای خانواده، از جمله والدین، اصلاح محیط و مکان‌های آموزشی نظیر مدرسه و نهادهای آموزشی اثرگذار بر کودکان، تولید محتوای رسانه‌ای و فرهنگی برای کمک به کودکان جهت گزارش موارد بزه‌دیدگی و بزه‌کاری، ایجاد محیط صمیمانه و دوستانه برای وابستگی کودکان به اعضای خانواده می‌شود. در حیطه کیفری نیز به کارگیری سیاست جنایی افتراقی، جداساختن کودکان و بزرگسالان مجرم و بزه‌کار در محیط‌هایی نظیر دادگاه و دادرسی، تقویت رویکردهای جامعه‌گرایانه و تساهل در قبال اعمال مجرمانه کودکان با هدف اصلاح رفتارهای آنان از جمله رویکردهایی است که می‌تواند باعث پیشگیری از خشونت در قبال کودکان گردد.

**واژگان کلیدی:** سیاست جنایی؛ پیشگیری؛ خشونت؛ کودکان؛ اخلاق

## ۱. مقدمه

خشونت علیه کودکان یکی از مسائل و دغدغه‌های اساسی نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و همچنین نهادها و سازمان‌های بین‌المللی است. برای مقابله با خطرات ناشی از خشونت علیه کودکان، قوانین و رویکردهای مختلفی هم در داخل کشورها و هم در نزد اسناد بین‌المللی دیده می‌شود. اغلب قوانین داخلی کشورها نیز تحت تأثیر شرایط مذهبی، عرفی و رویکردهای سیاسی و اجتماعی حاکم بر این کشورها قرار دارد، اما آنچه به عنوان یک رویه مشترک دیده می‌شود، پذیرش مفاد کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشری در زمینه حقوق کودکان است که غالباً بر پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه آنان نیز تأکید می‌کنند. توجه به مسائل و موضوعاتی که باعث شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز علیه کودکان می‌شود، از جمله نحوه تعامل با همسالان، محیط‌های آموزشی نظیر مدرسه، رسانه، روابط درون خانواده و الگوهای فردی در رأس دغدغه برنامه‌های اصلاحی و پیشگیری قرار دارد.

با توجه به اهمیت موضوع خشونت علیه کودکان، قبل از اینکه قوانین ورود پیدا کنند، اصول و مبانی اخلاقی بر شکل‌گیری و یا عدم شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز اثرگذار هستند و حتی در دوره پس از اعمال مجرمانه و بزه‌کارانه می‌توانند اثرگذار باشند. نفی خشونت علیه کودکان به حیطة‌های تخصصی و جزئی‌تر نیز ارتباط پیدا می‌کند و امروزه مسؤولیت کیفری و چگونگی دادرسی اطفال و نوجوانان از مباحث مهم حقوق کیفری است. بخش‌های مهمی از قوانین و مقررات کیفری در کشورهای مختلف و حتی در اسناد بین‌المللی به این مسأله اختصاص دارد. قوانینی که برای مجازات یا به عبارت بهتر تأدیب و تربیت کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است و همچنین نحوه بازپروری و اصلاح آنان به عنوان رؤس قوانین کیفری در نظر گرفته می‌شوند که نادیده‌گرفتن آن می‌تواند عواقب ناگواری برای افراد جامعه از جمله کودکان در پی داشته باشد. از طرفی دیگر، وجود قوانین و مقررات مناسب، آسیب‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد و زمینه‌ساز اصلاح افراد جامعه از جمله کودکان می‌گردد.

با عنایت به اهمیت سیاست جنایی پیشگیرانه و همچنین نقش آن در کاهش و از بین بردن خشونت علیه کودکان، پژوهش حاضر به بررسی مبانی اخلاقی سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان می‌پردازد. به عبارت دیگر، دغدغه پژوهش حاضر این است که سیاست جنایی پیشگیرانه با در نظر گرفتن کدام موارد و توجیهات اخلاقی نسبت به منع و طرد خشونت علیه کودکان اقدام می‌کند؟

شایان ذکر است، در مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه خشونت علیه کودکان و همچنین سیاست‌های پیشگیرانه انجام شده است، با رویکردهای متنوع و مختلفی رو به رو می‌شویم که به برخی از آنان نظری افکنده می‌شود:

- مطالعات مربوط به سیاست جنایی پیشگیرانه که در برخی آثار، از جمله سرداری و سرداری (۱۳۹۶ ش.) با عنوان «تأثیر رسانه‌ها بر پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر پیشگیری از جرائم کودکان بزه‌کار» رسانه‌ها را یکی از ابزارهای مهم در رابطه با بزه‌کاری اجتماعی معرفی می‌کنند که هم می‌توانند عامل بزه‌کاری تلقی شوند و هم عاملی برای جلوگیری آن باشند یا در پژوهش محسنی و ملکوتی (۱۳۹۸ ش.) که به بررسی «نقش محیط‌های آموزشی تحمیلی در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان در ایران و انگلستان» می‌پردازند و رویکردهای آموزش تحمیلی را وابسته به شرایط دو کشور می‌دانند که در محیط لیبرال انگلستان کارآیی مطلوبی ندارند.

- مطالعات مربوط به خشونت و بزه‌کاری و حقوق کودکان که در برخی آثار، از جمله در مقاله جمشیدی و مظفری (۱۳۹۷ ش.) تحت عنوان «سیاست جنایی ماهوی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌کار در نظام قضایی ایران» بدان پرداخته شده و چنین نتیجه گرفته شده است که پیوستن ایران به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (بهمن ۱۳۷۲ ش.) باعث توجه به روش‌های اصلاحی، اجتماعی و تربیتی برای مقابله با بزه‌کاری اجتماعی در میان کودکان و نوجوانان شده است یا در پژوهش نیازپور (۱۳۹۳ ش.) که در اثری با عنوان «حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرایند پاسخ‌دهی به بزه‌کاری کودک و نوجوانان)» حقوق کیفری موجود در سطح جهان از جمله اسناد بین‌المللی و

محلله‌ای بسیار بالا است. عوامل ذکرشده دلایل قانع‌کننده‌ای برای حمایت از کودکان از طریق سیاست جنایی پیشگیری در قبال خشونت علیه آنان است که ریشه در مبانی و دلایل اخلاقی دارند. عوامل اخلاقی نیازمند قانون و سیاست آمرانه نیستند، بلکه از طریق آموزش مناسب و مطلوب، تدوین الگوهای خشونت‌زدا، تقویت روحیه مذهبی و معنوی کودکان و همچنین عمل بر مبنای تعامل و همکاری در نهاد خانواده قابل دستیابی هستند. با در نظر گرفتن شرایط جامعه ایران و همچنین خشونت‌هایی که علیه کودکان می‌شود، نقش مذهب در تقویت باورهای کودکان و ممانعت از خشونت حائز اهمیت است. به این دلیل که در جامعه ایران، نهادهای مذهبی و الگوهای مذهبی از جایگاه خاصی در بین خانواده‌ها برخوردار هستند و الگوسازی از طریق باورها و شخصیت‌های مذهبی نقش بازدارنده و پیشگیرانه مؤثری در قبال جلوگیری از خشونت علیه کودکان ایفا می‌کند. علاوه بر این، تولید برنامه‌های تلویزیونی با محوریت کاهش خشونت در سطح رسانه‌ها، آموزش کودکان برای گزارش اعمال بزه‌کارانه، ایجاد یک سازمان متمرکز برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان و بررسی مصادیق خشونت‌ها علیه کودکان در جامعه ایران، از جمله مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

## ۵. بحث

۵-۱. سیاست جنایی پیشگیرانه و کودکان: سیاست جنایی پیشگیرانه در واقع به معنای مجموعه اقدامات و روش‌هایی است که هیأت اجتماع با به کارگیری آنان، پاسخ‌های مختلف نسبت به پدیده‌های جنایی را سازمان می‌دهد (۱). امروزه سیاست جنایی پیشگیرانه به عنوان یکی از شاخه‌های علم سیاست جنایی درآمده است که موضوع اصلی آن، اقدامات کیفری و غیر کیفری مناسب به منظور پیشگیری از بزه‌کاری در سطح جامعه و یا یک جمعیت محدود است (۲). بنابراین سیاست جنایی پیشگیرانه به دنبال جلوگیری از وقوع یک عمل مجرمانه، پیشگیری از تکرار آن عمل و جلوگیری از تسری بخشی آن به سایر افراد جامعه از طرق مختلف، از جمله

داخلی را بررسی می‌کند؛ از جهت اینکه، حقوق کیفری در این دو زمینه، پاسخی برای بزه‌کاری کودکان و نوجوانان هستند، می‌توانند باعث بهبود حقوق آنان گردند.

اما رویکرد پژوهش حاضر، تلفیق رویکردهای مزبور و اتخاذ رویکرد نوینی است که بتواند سیاست جنایی پیشگیرانه را بر مبنای توجیهات و مبانی اخلاقی در جهت پیشگیری از خشونت علیه کودکان بررسی نماید. موضوعی که در هیچ کدام از تحقیقات صورت گرفته در داخل مشاهده نمی‌شود.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر، ملاحظات اخلاقی به عنوان مبنای پژوهش قرار گرفته است که به طور مشخص در استفاده از منابع علمی و دقیق، رعایت اصول امانتداری و ارجاع‌دهی مورد توجه بوده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. گردآوری مطالب نیز از طریق فیش‌برداری ضمن مراجعه به متون حقوقی و سایر اسناد و مقالات مرتبط انجام شده است.

## ۴. یافته‌ها

مبانی اخلاقی سیاست جنایی پیشگیری در قبال خشونت علیه کودکان بر محوریت کرامت ذاتی آنان، بهره‌مندی از حقوقی همسان با سایر انسان‌ها (حقوق عام و کلی)، حقوق ویژه به دلیل شرایط خاص سنی و بیولوژیکی (حقوق خاص)، سیاست جنایی افتراقی، اصلاح جامعه، محله و خانواده از عوامل خشونت‌زدا، تولید محتوای مناسب آموزشی و رسانه‌ای و همچنین ایجاد تعامل و محبت در نظام خانواده استوار است. این مسائل از آنجایی مطرح می‌شود که قابلیت الگوبرداری کودکان، توان مقلدبودن آنان از الگوهای جرم‌زا، تکرار جرائم، اعمال بزه‌کارانه و تخلفات اعضای خانواده از سوی کودکان بسیار بالا و آسیب‌زننده است. به عبارتی دیگر ضریب آسیب پذیری کودکان در زمینه خشونت‌های جامعه، خانوادگی و

قَتَلَهُمْ كَانِ خَطَاً كَبِيرًا؛ و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است» (۴).

یکی دیگر از مبانی اخلاقی سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان آن است که کودکان موجوداتی حساس و آسیب‌پذیر هستند و جرائم و تخلفات کوچک نیز می‌توانند آثار نامطلوبی بر روی آن داشته باشد، حتی در بسیاری از موارد، خانواده‌هایی که بدون توجه به این حساسیت‌ها، مواد مخدر استعمال می‌کنند، الکل مصرف می‌کنند و رفتارهای پرخاشگرایانه و هنجارشکنانه مرتکب می‌شوند و یا نهادهای عمومی که کودکان در آنان نگهداری می‌شود و یا آموزش می‌بینند، رفتارهای تربیتی مناسبی ندارند، به عنوان یک خطر محسوب شده و نیاز است تا راهکار مناسبی جهت مراقبت درست از آنان و اعمال نظارت مؤثر در رفتارشان ایجاد شود (۵).

اگر بپذیریم که سیاست جنایی پیشگیرانه به منظور پیشگیری از مواجهه افراد با موقعیت‌های مجرمانه و همچنین درصدد محدود کردن دامنه ارتکاب جرم، ناممکن کردن آن، مشکل و یا کم کردن احتمال وقوع جرم است (۶). در این صورت اتخاذ روش‌های مناسب برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان امری ضروری است، زیرا کودکان، به عنوان افرادی در نظر گرفته می‌شوند که نسبت به سایر افراد جامعه، احتمال پذیرش رفتارهای نابهنجار و تقلید رفتار مجرمانه در نزد آنان بیشتر است (۷) و از طرفی توانایی مقابله، هضم و تشخیص معیار خوب و بد را نیز ندارند. بنابراین آنچه مهم است نگاه مهربانانه‌تری نسبت به کودکانی است که به دلیل قصور و یا جهل نسبت به عواقب برخی اعمال، بدان‌ها مرتکب می‌شوند. این رویکرد حتی در قبال الگوپذیری آنان از رفتارهای بزه‌کارانه و مجرمانه نیز قابل تأمل است و ممکن است که کودکان به صورت ناخواسته، خشونت‌هایی را بر خود تحمیل نمایند. بنابراین حمایت از کودکان در برابر خشونت‌ها اعم از خشونت‌های خانوادگی، خشونت‌های موجود در سطح جامعه و در سطح رسانه‌ها از یک اصل اخلاقی دیگری نیز سرچشمه می‌گیرد و آن عدم آگاهی کودکان نسبت به

روش‌های بازدارنده کیفری و غیر کیفری نظیر اصلاح مجرمان، بازپروری و ترمیم آن می‌باشد.

سیاست پیشگیرانه هنگامی که درباره کودکان به کار گرفته می‌شود، نیازمند دقت، مراقبت و حساسیت بالایی است. به این دلیل که کودکان در شرایط خاص سنی، اخلاقی، اجتماعی و رفتاری قرار دارند و از جهت مراقبت و پیشگیری از آسیب‌پذیری، راهکارهای منحصر به فردی می‌طلبند. درباره تعریف کودک، نظریات مختلفی وجود دارد که از منظر شرعی و حقوقی بدان توجه شده است، اما آنچه در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است اینکه کودک، فردی است که سن وی کمتر از ۱۸ سال باشد (۳). در هر صورت با پذیرش اینکه کودکان در سن و شرایط خاصی هستند، اقدام کردن برای حل مشکلات و مسائل مربوط به آنان، از جمله خشونت علیه کودکان، نیازمند سازوکارهای کیفری و غیر کیفری خاصی است که هم در شرایط انجام عمل بزه‌کارانه و مجرمانه از سوی آنان و هم در شرایطی که تحت تأثیر این اعمال قرار می‌گیرند، به نوعی در معرض خشونت هستند. به همین جهت، پرداختن به محیط خانواده، نظام اجتماعی و همچنین الگوهای اثرگذار بر رفتارهای کودکان نقش مهمی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان دارد. پرداختن به مبانی اخلاقی سیاست جنایی پیشگیرانه یکی از این رویکردهای حقوقی است که در اسناد بین‌المللی و در نزد حقوقدانان برجسته و در قانون داخلی از جمله قانون مجازات اسلامی، دارای نشانه‌هایی است که به جلوه‌های آن پرداخته می‌شود.

## ۲-۵. اصول اخلاقی سیاست جنایی پیشگیرانه در

**قبال خشونت علیه کودکان:** اولین و مهم‌ترین اصل اخلاقی در دفاع از سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان، توجه به الگوپذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن آنان از سوی دیگران است. این موضوع در آموزه‌های دینی و قرآنی، رنگ و بوی مظلومیت و معصومیت نیز به خود گرفته است. جایی که در آیات قرآن کریم، به هدیه‌بودن کودکان از سوی خداوند اشاره شده است که ظرافت بیشتری برای حمایت از آنان احساس می‌شود. همانطور که در آیه شریفه بیان شده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ

محتوای خشونت‌هایی است که ممکن است در ناخودآگاه ذهن آنان جای گرفته و به رفتارهایشان جهت ببخشد. بنابراین در این زمینه به این مسأله توجه نشان داده می‌شود و آن هم ناتوانی کودک از ابراز رضایت آگاهانه است، از جمله این ناآگاهی در مسائل جنسی رخ می‌دهد که کودک برای مواجهه با آن از لحاظ رشدی آمادگی کافی نداشته و نمی‌تواند نسبت به آن رضایت دهد (۸).

سیاست جنایی پیشگیری در حوزه اجتماعی نیز دنبال می‌شود. در این رویکرد، بر بهبود شرایط زندگی، سالم‌سازی محیط اجتماع و محیط طبیعی و حذف و یا کاهش علل جرم‌زا و پیشگیری از بزه‌کاری تأکید می‌شود (۹)، زیرا کودکان بیش از دیگران در معرض خطر هستند و توانایی دفاع از خود را از حیث جسمی و از حیث ترجیحات عقلانی و اخلاقی ندارند. در چنین شرایطی، اخلاق اجتماعی نیز حکم می‌کند که به دنبال پیشگیری از مواجهه کودکان با محیط‌های پرخطر باشیم. در این زمینه به طور مشخص می‌توان بر گروه‌های همسالان متمرکز شد. به این دلیل که گروه‌های همسالان ممکن است خصومت‌ها و مخالفت‌های اجتماعی متعددی ایجاد کنند. تعامل با جوانان حاشیه‌گرا و حاشیه‌نشین از نظر اجتماعی که غالباً بزه‌کار هستند، وابستگی به فرقه‌های بزه‌کار، ترجیح فعالیت‌های تفریحی و گذراندن اوقات فراغت بدون نظارت و در مکان‌های نامتعارف، از جمله این خطرات هستند (۷). به نظر می‌رسد در صورت عدم پیشگیری و مراقبت از کودکان در برابر این آسیب‌ها، زمینه‌ها برای خشونت علیه کودکان نیز گسترش یافته و حتی ممکن است خود کودکان علاوه بر بزه‌دیدگی به اعمال بزه‌کارانه دست بزنند.

یکی دیگر از الزامات اخلاقی مربوطه که می‌بایست به کارگیری سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان را تقویت نماید، ترس، نادانی و یا ناآگاهی کودکان از خشونت‌هایی است که بر علیه آنان اعمال می‌شود. در این صورت وظیفه اصلی آحاد جامعه آن است که از سیاست پیشگیری حمایت کنند. در این راستا، می‌بایست آگاهی و اطلاعات مردم نسبت به موضوع خشونت علیه کودکان افزایش پیدا کند (۱۰). آگاهی‌بخشی به منظور کمک‌کردن به

سیاست‌های جنایی پیشگیرانه می‌بایست از طریق نهادهای مؤثری مانند خانواده، رسانه‌ها و مدارس صورت گیرد. در این صورت، خانواده‌ها به تعامل بیشتر از طریق فراهم‌آوردن آگاهی و مهارت بیشتر ترغیب و تشویق شده و شرایط مناسبی برای پرورش کودک به منظور ایجاد توانمندسازی برای کودکان بیشتر فراهم می‌گردد (۱۰). سیاست پیشگیرانه بر این مسأله تأکید می‌کند که کودکان در فرایند دادرسی و به عنوان بزه‌دیدگانی که در معرض اعمال بزه‌کارانه قرار گرفتند، چه اقداماتی می‌بایست انجام دهند و از چه مقرراتی پیروی کنند. به این دلیل که ناآگاهی و بی‌اطلاعی آنان از شیوه و روند دادرسی کیفری و حقوق آنان در این فرایند، باعث نگرانی کودک و نوجوان و حتی خانواده‌های آنان می‌شود (۱۱).

### ۳-۵. رویکرد اخلاقی پس از عمل مجرمانه و

**بزه‌کارانه کودکان:** رعایت اصول دادرسی عادلانه کیفری بخش دیگری از سیاست جنایی پیشگیرانه است که هرچند در نهایت کودکان را به عنوان مجرمان بازخواست و مجازات می‌کند، اما سیاست‌های منعطف‌تری در قبال آنان در پیش می‌گیرد. در همین راستا، اصل اصول دادرسی عادلانه، انطباق آنان با دستاوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی و همچنین سازگاری با کنوانسیون‌های حقوق کودک در زمینه حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان مورد توجه هستند. اصل دادرسی عادلانه درباره کودکان بدین معناست که با توجه به شرایط سنی، موقعیت فرهنگی و اجتماعی و همچنین وضعیت خانوادگی آنان، می‌بایست مورد حمایت عدالت کیفری واقع شوند. این موضوع، هرچند هدفش سازگاری با اصول کنوانسیون‌های بین‌المللی نیست، اما در قوانین داخلی که برگرفته از آموزه‌های اسلامی هستند، مورد توجه قرار گرفته است. درباره شرایط دادرسی عادلانه در آموزه‌های حقوقی اسلامی نیز موارد زیادی دیده می‌شود. علامه مجلسی از جزئی نقل می‌کند که کسانی «ذوی‌المروآت» و «ذوی‌الهیئات» گفته می‌شود که معروف به شر نیستند و تنها مرتکب لغزشی شده‌اند. از این افراد حتی با عنوان «ذوی‌الهیئات الحسنه»، یعنی کسانی که دارای حسن شهرت هستند، نیز یاد می‌شود (۱۲) که نیاز است درباره جرائم کوچکشان با مسامحه و

نیز برخورداری آنان از انواع حمایت‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، در ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تحت عنوان «حق بر اقدام‌های حمایتی از سوی خانواده، جامعه و دولت» پیش‌بینی شده است (۱۴). علاوه بر اسناد عام و کلی حقوق بشری، در اسناد خاص حقوق بشری همچون معاهده بین‌المللی حقوق کودک، اشخاص زیر ۱۸ سال از یکسو در قبال جامعه و دولت، واجد حقوقی هستند که قابل مطالبه‌اند و از سوی دیگر، جامعه و دولت می‌بایست تدابیر حمایتی و اعمال مساعدت‌های خاص را برای کودکان در نظر بگیرند. در کنار این حق‌ها، کنوانسیون حقوق کودک، همانند برخی از مواد منشور بین‌المللی حقوق بشر، تکالیفی را مستقیماً برای جامعه و عمدتاً دولت‌ها در برابر افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته است که نشانگر حمایت از کودکان در برابر آسیب‌ها و خطرات اجتماعی از طریق خانواده، دولت و سایر نهادهای اجتماعی است.

سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان در اسناد ذکرشده به دنبال دورکردن آنان از فضاها و محیط‌های غیر اخلاقی است که به شدت برای کودکان آسیب‌پذیری ایجاد می‌کند. این فضاها می‌تواند شامل مشاهده و همنشینی با مصرف‌کنندگان مواد مخدر و همچنین بهره‌کشی جنسی از آنان باشد. به همین دلیل در اسناد حقوق بشری، این مسأله به شدت مورد توجه قرار گرفته است، از جمله می‌توان به تکالیف دولت در قبال منع خشونت علیه کودکان در زمینه‌های مختلفی، از جمله حمایت از اطفال در برابر استعمال غیر مجاز مواد مخدر و مواد روان‌گردان و نیز به کارگیری کودکان و نوجوانان در تولید و قاچاق این مواد (ماده ۳۳)، حمایت از کودکان در برابر کلیه اشکال بهره‌کشی جنسی و خشونت (ماده ۳۴) و حمایت از کودکان قربانی هرگونه بی‌احتیاطی، بهره‌کشی، شکنجه یا آزار و اذیت و هرگونه رفتار موهون غیر انسانی و تحقیرآمیز (ماده ۳۹) اشاره کرد. همچنین در همین زمینه، بند ۱ ماده ۱۹ نیز تکالیفی را برای کشورهای عضو کنوانسیون در زمینه حمایت از کودکانی که ممکن است در معرض خشونت‌های جسمانی، روانی، جنسی و هرگونه سوء رفتار قرار بگیرند، پیش‌بینی نموده است.

گذشت اقدام شود. این موضوع درباره کودکان به علت شرایط سنی آن‌ها و همچنین تأدیب در صورت ارتکاب جرم متفاوت است. در احادیث، تنبیه کودکان به قصد تربیت و تأدیب و با توجه به شرایط آنان به کار برده شده است، از جمله این احادیث می‌توان به حدیث رفع اشاره کرد. از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که می‌فرماید: قلم تکلیف از سه گروه رفع شده است: از کودک تا اینکه بالغ گردد، از دیوانه تا زمانی که بهبود یابد و از خوابیده تا وقتی که بیدار شود (۱۲)، البته این حدیث به معنای رفع و سلب هرگونه کیفر و تنبیهی برای کودکان نیست، بلکه بیانگر دیدگاه آموزه‌های اسلام نسبت به شرایط خاص کودکان است که بتواند برای پیشگیری از وارد شدن آنان به اعمال بزه‌کارانه و یا مجرمانه مؤثر واقع شود. در این صورت، لزوم مسامحه و نرمش باعث دورشدن کودکان از شرایط جرم و مجازات می‌گردد. برخی احادیثی که در مورد سرقت اطفال بیان شده است نیز حاکی از اولویت تساهل و بخشش در زمان ارتکاب جرم از سوی آنان است (۱۳). بر این اساس با توجه به شرایط خاص کودکان، سیستم جزایی به این سمت پیش رفته است که به جای توجه محض به بزه‌کار و عوامل جرم، به حمایت از بزه‌دیده به عنوان یکی از ابعاد پدیده مجرمانه بپردازد. حمایت از بزه‌دیدگان و تسکین ناملایمات روحی آنان، دارای پشتوانه ارزشی و اجتماعی است و این‌گونه حمایت‌ها باعث می‌شود تا بزه‌دیده اقتدار و شخصیت خود را بازابد و از افسردگی اجتماعی و قربانی شدن مجدد نجات پیدا کند. یک کلام، به وضعیت ماقبل جنایی برگشته و دست به انتقام‌های فردی و واکنش‌های خصمانه نزند. علاوه بر این، کودکان نیز دارای کرامت هستند و اصول اخلاق حمایت از کرامت انسانی ایجاب می‌کند که از آنان به مثابه یک انسان صاحب کرامت حمایت شود، هرچند امروزه، انسان کودک یا صغیر، به صرف انسان‌بودنش، از کرامت و منزلت انسانی برخوردار است و نیازمند حقوق و تکالیف معینی است. این حقوق در سطح بین‌المللی، از نیمه دوم قرن بیستم، در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، پیش‌بینی و در نظر گرفته شده‌اند. به عنوان مثال در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق کودک جهت دریافت کمک و مساعدت ویژه و

سیاست جنایی پیشگیرانه به دوران پس از انجام بزه و عمل مجرمانه توسط کودک و یا کودکانی که به انحراف مختلف دچار بزه‌دیدگی می‌شوند، نیز توجه نشان می‌دهد. در این صورت، وظیفه اصلی سیاست جنایی پیشگیرانه، شناسایی و آگاهی دقیق نسبت به عمل صورت گرفته و یا جلوگیری از تکرار آن است. اصل اخلاقی نهفته در این راهکار، آن است که کودک بزه‌کار به دلیل انعطاف‌پذیری که دارد، راحت‌تر و سریع‌تر از افراد بزرگسال توان اصلاح‌پذیری دارد و حتی راحت نیز مورد بازپروری قرار گیرد؛ به دلیل همین تفاوت‌ها، کودک به نظام کیفری متفاوت از آنچه در مورد بزرگسالان اعمال می‌شود، نیاز دارد. امروزه نیز کودکانی که به نقض قانون و ارتکاب جرم متهم هستند به دلیل شرایط سنی، موقعیت اجتماعی و خانوادگی و نیازهای خاص دوران سنی خود، حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه دارند (۱۵). با توجه به اهمیت تفاوت میان کودکان و بزرگسالان است که پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی در میان کودکان از جایگاه خاصی برخوردار است؛ سیاست جنایی پیشگیرانه (برای جلوگیری از تکرار جرم و بزه) می‌تواند از طریق ارائه گزارش بزه‌دیدگی، مشاوره به قاضی دادگاه در خصوص صدور حکم حضانت و سرپرستی، نظارت بر اجرای مجازات‌ها به وسیله نهادهایی مانند مددکار اجتماعی، دنبال شود (۱۱). امروزه نیز در راستای اصل اخلاقی گزارش‌دهی اعمال بزه‌کارانه از سوی کودکان و یا اعمال بزه‌کارانه‌ای که علیه آنان صورت می‌گیرد، نهاد مددکاری اجتماعی واجد نقش مهم و مؤثری است، از جمله اینکه این نهاد، گزارش‌های مربوط به بزه‌دیدگی، اشاره به قاضی دادگاه در خصوص صدور حکم حضانت و سرپرستی و همچنین نظارت بر اجرای مجازات‌ها را نیز بر عهده می‌گیرد (۱۶).

اتخاذ رویکرد افتراقی و ویژه برای کودکان بخش دیگری از رویکرد اخلاقی در قبال پیشگیری از کودکان در برابر خشونت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است. وضعیت سنی و بیولوژیک خاص در گروه سنی اطفال و نوجوانان سبب گردیده که قانونگذاران به مرور زمان و با پیشرفت‌های انسانی و اخلاقی صورت‌گرفته در حوزه حقوق و علوم قضایی، رویه

متفاوت و ویژه‌ای را در خصوص سیاست‌های کیفری اتخاذ شده برای کودکان در نظر گیرند. در واقع بر اساس رویکرد افتراقی که رویکردی اخلاقی نیز می‌باشد، نمی‌توان برای کودکان، دقیقاً مجازات‌های تعیین‌شده برای افراد بزرگسال را در نظر گرفت؛ به این دلیل که جرائم صورت‌گرفته از سوی این طیف عموماً حاصل هیجانات عاطفی، آگاهی کم، تجربه ناکافی، عدم بلوغ عقلی و... می‌باشد که باید در این موارد، سیاست متفاوتی در پیش گرفت که مانع تمایل کودکان به خشونت و یا ابراز خشونت علیه آنان گردد. همین رویکرد اخلاق‌مدارانه، باعث طرح موضوع قانونگذاری افتراقی در حوزه حقوق کودک و نوجوان شده است که در سال‌های اخیر و با پیشرفت‌های انسانی و اخلاقی در حقوق قضایی، نمود بیشتری یافته است، یعنی نوعی خاصی از قانونگذاری برای گروه سنی کودک و نوجوان اتخاذ شده است (۱۷).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز به این موضوع بی‌توجه نبوده است. بندها و مواد مطرح‌شده در فصل دهم که در ارتباط با نظام مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد کودکان و نوجوانان است، از جمله جدیدترین و اخلاقی‌ترین تغییرات نظام کیفری ایران بعد از انقلاب است که رویکرد منحصر به فردی در زمینه پیشگیری از خشونت در قبال کودکان محسوب می‌شود. در این رویکرد اخلاقی، قانونگذار برای اولین بار، رویکردی ویژه و افتراقی را نسبت به اطفال و نوجوانان پذیرفته و با در نظر گرفتن و پی‌بردن به مضرات یکسان‌نگری مجازات کودکان و بزرگسالان، کودکان را از شمول مقررات مربوط به بزرگسالان، خارج نموده و تابع نظامی جزایی مستقل و ویژه‌ای کرده است. قرارگرفتن کودکان در شرایط حساس دوران زندگی و تکامل جسمی و روحی، باعث طرح ضرورت برخورد متفاوت با آن‌ها در صورت ارتکاب رفتارهای خلاف شده است. آثار و تبعات نامطلوب ورود کودکان به دادرسی کیفری بزرگسالان، مسؤولین عدالت کیفری را بر آن داشته تا در این خصوص چاره‌اندیشی کرده و با استفاده از شیوه‌هایی متفاوت جهت اصلاح کودکان و نوجوانان برآیند و با در نظر گرفتن نظام دادرسی کیفری افتراقی در راستای باز اجتماعی کودکان و نوجوانان قدم

بردارند (۱۸). بدین معنا که کودکان علاوه بر اینکه از ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی خاصی برخوردار هستند و نیازمند سیاست افتراقی هستند، نوعی سیاست پیشگیرانه به منظور جلوگیری از تداخل حقوقی میان کودکان و بزرگسالان نیز صورت می‌گیرد که هدف اصلی آن، کاستن از خشونت‌های آشکار و پنهان علیه آنان از مجرای اصلاح رویه‌های حقوقی و قانونی است. در حقوق کیفری کودکان، قاعده‌ای مورد استناد است که در اصطلاح اصل تفسیر کودک‌مدارانه نامیده می‌شود. بر اساس این اصل، قوانین مجازات و کیفر کودکان بهتر است که بر اساس اصل تقدم تربیت، درمان و بازپروری ایشان بوده تا از بروز خشونت‌های روانی علیه آن‌ها جلوگیری شود. از آنجا که هدف یا فلسفه قانونگذاری، درمان و اصلاح کودک می‌باشد، این اصل می‌بایست در همه مراحل دادرسی کودکان نیز مورد توجه قرار گیرد.

#### ۶. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر معطوف به تلاش برای به کارگیری سیاست جنایی پیشگیرانه برای کودکان از منظر اینکه الگوپذیر و بی‌پناه هستند، نخواهد بود، بلکه آنچه توصیه می‌شود اتخاذ رویکردی همه جانبه و فراتر از مسائل دوران کودکی، و ناظر بر حقوق بنیادین کودکان در زمینه‌های مختلف، از جمله در زمینه خشونت‌هایی است که علیه آنان رخ می‌دهد و یا خود کودکان به انحاء مختلف بدان دچار می‌شوند. در این صورت است که به نقش عوامل فردی، خانوادگی، جامعه‌ای و محیطی در بروز خشونت علیه کودکان پی می‌بریم. از این جهت لازم است تا در وهله اول، سیاست جنایی افتراقی به عنوان راهکاری کیفری و قضایی در زمینه بزه‌کاری کودکان بیش از پیش به کار گرفته شود و حتی در صورت ارتکاب کودکان به جرائم و تخلفات، قضات متخصص در حیطه حقوق کودکان نسبت به تخلفات و جرائم آنان رسیدگی نمایند. در ایران دفتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در مراکز دادگستری دایر است، اما رسیدگی به تخلفات بزرگسالان نیز در این مراکز صورت می‌گیرد که نیازمند تفکیک بر مبنای همان سیاست کیفری افتراقی

#### ۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

#### ۸. سهم نویسندگان

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری است که سهم نویسندگان در آن عبارت است از:  
سیدحسین وقاری: نگارش مقاله.  
غلامحسین مسعود: نظارت و راهنمایی در نگارش مقاله.  
محسن شکرچی‌زاده: مشاوره و راهنمایی در تنظیم مقاله.

#### ۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

## References

1. Delmas Matry M. Big systems of criminal policy. Translated by Najafi Abrandabadi AH. Tehran: Mizan Publishing; 2015. p.106.
2. Zargari M. Crime Prevention. Tehran: Negahe Bayeneh Publishing; 2010.
3. Iravanian A. Comparative study of children's rights in international documents and domestic regulations. *Judicial Monthly, Judicial Organization of the Armed Forces*. 2001; 2(36): 13-19.
4. The Holly Quran. Isra: 31.
5. Tahmasebi J. New manifestations of criminal law. Tehran: Mizan Publishing; 2016. p.78.
6. Guesen R. Theoretical criminology. Translated by Keynia M. Tehran: Majd Publishing; 2005. p.1237.
7. Cario R. Early social psychological intervention in the prevention of criminal behavior. Translated by Najafi Aberandabadi AH. *Journal of Legal Research*. 2001; 1(35): 267-309.
8. Mohammad Nasl GH, Mohammad Nasl Z. Investigating the causes of child abuse cycle formation (with emphasis on experts' opinions). *Journal of Police Women*. 2014; 1(22): 5-23.
9. Niazpour AH. Habit Delinquency: From Etiology to Prevention. Tehran: Fekr Sazan Publishing; 2001. p.130.
10. Salazar Walkman C, Noor Mohammadi A. Violence against Children, a Review of Global Thought and National Action to Protect Children from Harm. *Journal of Human Rights*. 2014; 2(2): 27-34.
11. Javan Jaafari AR, Sadati MJ. The philosophical and sociological nature of punishment. Tehran: Mizan Publishing; 2014. p.100.
12. Majlesi MB. Bahar al-Anwar. Tehran: Islamiyeh Publishing; 2006. p.198.
13. Zargushnasab AJ, Jalilian F. Punishing children for the purpose of education and discipline from the perspective of hadiths. *Journals of religious teachings in Quran and Hadith*. 2016; 2(3): 77-92.
14. Amir Arjomand A. Collection of International Human Rights Documents; Book One: World Documents. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2000. p.31.
15. Moazami SH. Association of Anonymous Addicts from the Perspective of Restorative Justice. *Journal of Legal Justice*. 2008; 73(68): 121-136.
16. Keynia M. Fundamentals of Criminology. Tehran: Tehran Univernsity Publishing; 2012.
17. Yazdani Y, Zahedian MH. Differential criminal policy on delinquency and juvenile delinquency in the Iranian legal system. *Shiraz University International Conference*. 2016; 1(1): 1-16.
18. Dehghani A. Special proceedings for children and adolescents; A Step towards Compliance with International Obligations. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*. 2011; 3(10): 77-107.